

آموزش و پژوهش به عنوان دو عامل زیربنایی در یک جامعه پویا برای تسخیر مرزهای دانش هستند؛ با این پیشینه و رویکرد که از دیرباز نظام آموزشی با تکیه بر نقش محوری مدرس یا مدرسانی بود که اندوخته‌های عملی و محفوظات علمی خود را عرضه می‌داشتند و در سوی دیگر نوآموزانی بودند که در اثر ممارست در محضر استادان در صدد سودای یادگیری و مهارت بودند. به مرور ایام، بهبود کیفیت عملکرد، بهره‌برداری بهینه و تغییر در رفتار سازمانی ضرورت تحصیلات مقدماتی را آشکار ساخت و در قرون اخیر فراگیری علوم و کسب مهارت‌های لازم در زمینه تخصصی برای کلیه افراد جامعه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شد، از این روی آموزش در هر جامعه‌ای به فراخور نیاز، از اهمیت و خاستگاه ویژه‌ای در امر توسعه کلان برخوردار شد، به این سبب در جوامعی که علوم و فناوری در آن رو به تکامل و پیشرفت بود به موازات روند رشد، اهمیت لزوم آموزش‌های خاص بیش از پیش ملموس گشت، زیرا که در عرصه رقابت می‌بایست بطور مستمر مجموعه فرآیندهای مدیریت دانش مورد توجه و مطمع نظر باشد و سعی سیاست‌گذاران هر جامعه و مللی برای توسعه پایدار علاوه بر بررسی همه جانبه، شناسایی توانایی‌های بالقوه خود و تکیه بر سرمایه نیروی انسانی آموزش دیده است. بدین ترتیب وظیفه موسسات تمدنی و آموزشی تربیت نیروی انسانی، رفع نیازهای علمی- تخصصی و مهارتی، برنامه‌ریزی و در نهایت تسهیل زمینه رشد نخبگان برای فعالیت در بخش پژوهشی کشور است.

آنچه که باعث تکامل و پیشرفت یک جامعه می‌شود، پژوهش است. نگارنده بر این باور است که در آینده، بهره‌جستن از یافته‌های نوین و تکنولوژی جدید در علوم زیستی و به تبع آن در پزشکی، همگام یا حتی پیشروتر از سایر علوم، دستخوش تحولات اساسی‌تر خواهد شد و چه‌بسا سرفصل‌های دروس امروز، رشته‌های تحصیلات تخصصی و تکمیلی آینده شوند. از اینرو به اقتضای نیاز بشریت، توسعه مرزهای دانش و پیدایش گرایش‌های جدید را موجب می‌گردد. ناگزیر مباحث پژوهشی- آموزشی نیز در هر فصل و مبحثی ریزتر و مولفه‌های آن محدودتر، ظریف‌تر، دقیق‌تر و به سوی «ترین»‌ها سوق می‌یابند و کشوری در چشم انداز راهبردی خود به توسعه پایدار خواهد رسید که با سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش، توجه به تئوری و آراء، بسترسازی آفرینش فناوری نوین، پرورش ایده و طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی، احداث پارک‌های علم و فناوری و ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان، زمینه فرآیند تبدیل علم به ثروت را تسهیل و فراهم کند. با این رویکرد گسترش «موسسه علمی، آموزشی و درمانی صارم» تلاش برای تحقق چنین ایده‌ها و راهکارهایی را تنها در چارچوب وظایف دولت ندانسته و سعی دارد تا با هزینه‌کرد در زمینه فعالیت‌های پژوهشی، چهره دیگری از انواع امور خیریه را در قالب «خیریه علمی» گسترش داده و برای تعالی و ارتقای زیرساخت‌های مملکت گام بردارد، لذا به طور جدی وارد عرصه شده و در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۲۷ ش. بنا به تقاضای شماره ۳۲۶۳-۴۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ و موافقت شورای عالی گسترش آموزش عالی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری در جلسه ۱۳۸۶/۸/۲۶ با تاسیس «مرکز تحقیقات سلولی مولکولی و سلول‌های بنیادی صارم» با سه گروه پژوهشی: تولید مثل، ایمونولوژی و سلول‌های بنیادی به صورت موقت و در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۳۰ موافقت قطعی اخذ شد و در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۲ نیز از معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درخواست مجوز «مرکز تحقیقات باروری و ناباروری صارم» شد که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ از سوی شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، مجوز تاسیس این مرکز تحقیقات نیز اخذ و از سال ۱۳۹۴ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و به ایجاد، هدف از تاسیس و سرمایه‌گذاری در مراکز تحقیقاتی مذکور، همگام کردن علم و عمل، کمک به استعدادها، توانمند، آموزش تخصصی از طریق تحقیق و تتبع و در غایت تبدیل کشور به هاب دانش و شکستن مرزهای فراتر از فناوری است.

دکتر ابوطالب صارمی

رئیس مرکز تحقیقات صارم